



(شهید والا مقام حبیب الله کلهر)

نام پدر: رحمت الله

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۶/۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۱۲/۱۵

محل شهادت: جزیره ی مجنون

نام عملیات: خیبر

مسئولیت: فرماندهی گروهان حضرت علی اصغر (لشکر ۱۰ سید الشهداء)

محل خاکسپاری: تهران، بهشت زهرا، قطعه ی ۲۷، ردیف ۱۰، شماره ی ۱۱

فرازی از وصیتنامه

شهادت مرگی آگاهانه در راه هدفی مقدس است و هدفی مقدس تر از اسلام نخواهد بود. سفارش من این است که به دشمنان انقلاب اسلامی و کسانی که با آن به مبارزه برمی خیزند، بگویید: اگر پیکرم را قطعه قطعه کنند و اعضای بدنم را به آتش بسوزانند و خاکسترم را به دریا بریزند، از دل امواج خروشان دریا صدایم را خواهند شنید که فریاد می زنم اسلام پیروز است، طاغوت نابود است.

(خلاصه‌ی زندگینامه)

شهید حبیب‌الله کلهر در اول شهریور ۱۳۴۳ در خانواده‌ای مذهبی در محله‌ی مسگرآباد تهران، دیده به جهان گشود. وی دوران تحصیل را در مقطع ابتدایی و راهنمایی با موفقیت پشت سر گذاشت و دوران دبیرستان را در مدرسه‌ی شهید مطهری تا سال دوم رشته‌ی اقتصاد ادامه داد. از همان کودکی قرآن تلاوت می‌کرد تا این که یکی از قاریان و حافظان قرآن شد. بیشتر دعاهای مفاتیح را حفظ بود. در مسجد محل و در زمان جنگ در جبهه‌ها به مداحی اهل بیت عصمت و طهارت U می‌پرداخت. دوران جوانی او همزمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود. در اکثر تظاهرات و راهپیمایی‌ها بر ضد رژیم شاهنشاهی شرکت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، با توجه به فرمان امام (ره) مبنی بر تشکیل بسیج مستضعفین، همراه با عده‌ای از دوستانش، با کمترین امکانات، بسیج محل را راه‌اندازی کرد که وظیفه‌ی آن پاسداری از حریم محل بود. در همین زمان بود که ایشان تحصیل را در سال سوم رشته‌ی اقتصاد رها کرد و به ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» حسین زمان، خمینی کبیر(ره)، لبیک گفت و پس از گذراندن دوره‌ی آموزش‌های نظامی در پادگان امام حسن مجتبی U (مقر فعلی لشکر ۲۷ محمد رسول الله) در همان اوایل جنگ به کردستان (مناطق عملیاتی سقز و بانه) اعزام شد و در دی ماه ۱۳۶۱ از ناحیه‌ی پای راست مجروح و به بیمارستان اصفهان منتقل گردید.

پس از بهبودی مختصر به جبهه برگشت ولی این بار از طریق تیپ ۱۰ سیدالشهدا U به جزیره‌ی مجنون در جنوب اعزام شد. ایشان در چندین عملیات از جمله خیبر، رمضان، والفجرمقدماتی، والفجر(۱،۲،۳،۴)، بیت‌المقدس، مطلع الفجر، طریق‌القدس و شکست

حصر آبادان و در مناطق عملیاتی مریوان، گیلانغرب، سفز، بانه، طلائی (جزایر مجنون)، سردشت، هورالهوریزه، ارتفاعات کله قندی، خرمشهر و آبادان حضور داشت.

او در مدت حضورش در جبهه، آر.پی.جی زن، نیروی اطلاعات و عملیات، پیک گردان و فرماندهی گروهان بود. سرانجام، پس از سه سال نبرد مردانه با رژیم بعثی و غاصب عراق در عملیات خیبر (با رمز یا رسول الله) در منطقه‌ی عملیاتی جزیره‌ی مجنون، بر اثر اصابت ترکش‌های خمپاره به ناحیه‌ی دست و پا، پهلو و سینه به آرزوی دیرینه‌اش - که شهادت در راه خدا بود - دست یافت.

ویژگی‌های اخلاقی؛ تقوای الهی، اخلاق نیکو، عشق به ائمه‌ی اطهار، پیروی از ولایت فقیه و روحیه شهادت طلبی و ایثار تنها بخشی از صفات پسندیده‌ی ایشان بود.

خاطراتی به نقل از هم‌زمان شهید

۱) هر وقت اتفاق عجیب یا ناگواری می‌افتاد، حبیب می‌گفت: «ان شاءالله که خیر است». یک روز غروب در سنگر بودیم، هر کدام چیزی می‌گفتم و گاهی شوخی و خنده چاشنی نقل خاطرات بود که ناگهان ناله‌ی حبیب بلند شد. عقبی پای او را نیش زده بود. همه با هم کمک کردیم که حبیب را به بچه‌های امداد برسانیم. زیر لب جمله‌ای را زمزمه می‌کرد. خوب که توجه کردم دیدم همان جمله‌ی همیشگی را می‌گوید! چند قدمی از سنگر دور نشده بودیم که خمپاره‌ای به سنگر ما اصابت کرد و جز خاکی که از آن بلند می‌شد اثری بر جای نماند. همه تعجب کردیم، حتی حبیب هم درد پایش را از یاد برده بود. عقب، فرستاده‌ی خدا بود تا ما را در آن زمان نجات دهد. آنجا بود که سر این جمله برایم مشخص شد و فهمیدم هر چه خدا بخواهد، همان می‌شود.

۲) حبیب‌الله اعتقادی محکم داشت و همیشه به خدا توکل می‌کرد. شبی در حین عملیات خیر قرار شد جلوی عراقی‌ها را در جزیره‌ی مجنون مین‌گذاری کنیم. حجم آتش دشمن، در این عملیات بی‌سابقه بود. پیش از حرکت شهید بچه‌ها را جمع کرد و برای آنها سخن گفت: « شما باید به خدا توکل کنید. تا خدا نخواهد، هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد، این گلوله‌ها را که می‌بینید، همه طبل توخالی است. شما خدا را یاد کنید و پیش بروید و نهراسید. این گلوله‌ها فقط صدا دارند. اینها برای امتحان ما می‌بارند. ما خدا را داریم و اوست که ما را حفظ می‌کند». بعد از صحبت‌های شهید، بچه‌ها احساس عجیبی داشتند. دیگر کسی از تانک‌ها نمی‌ترسید، همگی به راه افتادیم در حالی که باران گلوله‌ها می‌بارید، بچه‌ها یک نفس می‌دویدند و زمین‌گیر نمی‌شدند. تا اینکه سرانجام کار را تمام کردند. موفقیت عملیات آن شب، به خاطر اعتقاد عمیق حبیب‌الله به مشیت الهی بود که سبب تقویت روحیه‌ی همه‌ی افراد شد و خودش نیز با شهادت در آن عملیات پاداش توکل و اعتقاد محکمش را گرفت و به جاودانگان همیشه‌ی تاریخ پیوست.

« مردان بی‌ادعا »

سرزمین نینوا یادش بخیر	کربلای جبهه‌ها یادش بخیر
جنگ ما را لایق خود کرده بود	جبهه ما را عاشق خود کرده بود
کجا رفت تأثیر سوز دعا	کجایند مردان بی‌ادعا
کجایند شیران جام‌آگست	شهیدان عاشق دلیران مست
کجایند شورآفرینان عشق	علمدار مردان میدان عشق